

احادیث شیعه پسند در کتب اهل سنت

نویسنده:

علی حسین امیری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۲ مقدمه
۲ اجتهاد
۴ محققین ضد اسلامی در غرب
۵ احادیث کتب شیعه
۶ بی طرفی اهل سنت
۱۰ حقه بازی در تشیع
۱۰ اشخاص بی طرف
۱۱ مسئله آخرت و پیشگاه عدل الهی

مقدمه

به نام خدا

سلام و درود بر پیامبر اسلام و خاندان پاکش و اصحاب وفادارش. در این مقاله مختصر به بررسی یکی از دلایل شیعیان در مقابل اهل سنت می‌پردازیم، و ثابت می‌کنیم که دلیلی پوچ و بی‌معناست. شاید شما خواننده‌گرمی نیز دائم دیده باشید که در هنگام مناظره بین یک روحانی شیعه با یک نفر از اهل سنت، روحانی شیعی مرتب می‌گوید: فلان حدیث (که به نفع شیعه است) در فلان کتب از اهل سنت، از فلان عالم ثبت شده، و برای مقابله با اهل سنت دائماً به احادیث موجود در کتب آنها اشاره می‌کنند و می‌خواهند بدینوسیله حقانیت خود را ثابت کنند، حال ما در اینجا دلایل متعددی را ذکر می‌کنیم که وجود این احادیث دلیل بر حقانیت شیعه نیست، و این دلیل شیعیان به هیچ عنوان صحیح نمی‌باشد.

اجتهاد

اولین دلیل ما مسئله اجتهاد علما می‌باشد که با این استدلال شیعیان کاملاً در تضاد است.

همه می‌دانند که به جز مسلک اخباری که تمام احادیث و اخبار را بدون اجتهاد قبول می‌کنند و معتقد به صحیح بودن همه آنها هستند (که البته در

اشتباهند^۱) در مقابل مکتب اصولی قرار دارد که به اجتهاد و بررسی احادیث مختلف می‌پردازند، و حتی شیعیان نیز دارای مکتبی اصولی هستند و در حوزه‌ها مشغول تدریس و بررسی اخبار هستند و به عالمان خود درجه اجتهاد می‌دهند (توسط مجتهدی دیگر) و تمامی اخبار کتب خود را نیز قبول ندارند، از آن طرف، اهل سنت نیز دارای اجتهاد هستند و در فروع دین نیز دارای چهار امام هستند (مالک، ابوحنیفه، شافعی و احمد بن حنبل) پس موضوع اجتهاد منحصر به هر دو طرف ماجراست. و اصلاً معنای اجتهاد یعنی اینکه از میان احادیث صحیح و ضعیف، احادیث صحیح را بیرون بکشید، که اینکار را با بررسی سند حدیث (علم الرجال) و متن حدیث و موارد دیگر تشخیص احادیث انجام می‌دهند^۲، چونکه شما هر حدیثی که بخوانید مطمئن باشید که به احتمال قوی حدیث ضد آن نیز موجود است، همینطور احادیث جعلی فراوانی که توسط یهودیان یا مسیحیان یا افراد غالی و دشمنان اسلام وارد کتب شیعه یا سنی شده اند^۳، پس می‌بایست احادیث مختلف را بررسی نمود.

- ۱- احادیث فراوانی از پیامبر ﷺ و امامان می‌باشند که در آنها آمده: هر حدیثی که از ما به شما رسید و با قرآن مخالف بود آن حدیث را به دیوار بزنید و قبول نکنید، پس طبق این احادیث ما حدیث جعلی نیز داریم و چنانچه این احادیث را نپذیریم و همچون اخباریون قبول نکنیم پس خود این احادیث اشتباه هستند و در هر دو صورت ادعای اخباریون رد می‌شود.
- ۲- و می‌بینید که احادیث را نیز طبق میزان سنجش خود طبقه بندی می‌کنند، مثل احادیث صحیح یا ضعیف یا مرسل و...
- ۳- همانطور که از جانب یهودیان و مسیحیان داستانهایی وارد کتب شیعه و سنی شده، همانطور نیز از کتب شیعه ممکن است احادیثی وارد کتب اهل سنت شده باشد یا برعکس.

حال ما از شیعیان می پرسیم اینکه دائم می گوئید در کتابهای اهل سنت فلان مطلب و فلان حدیث وجود دارد، پس می شود بفرمائید اجتهاد چه معنی دارد؟! اگر قرار باشد هر حدیثی را پذیرفت، پس اجتهاد را باید کنار گذاشت، و آیا شیعه هر حدیثی که در کتب خویش دارد (حتی در کتب اربعه شیعه^۱) قبول می کند؟ یا اینکه توسط مجتهدین خود احادیث مورد نظر را بررسی می کند؟، پس اجتهاد یعنی همین که ما هر حدیثی را قبول نمی کنیم و این منحصر به خود شیعه نیز هست.^۲

محققین ضد اسلامی در غرب

محققین غربی مخالف با اسلام، برای توجیه عقاید خود مطالب و احادیثی را از کتب مسلمین بیرون می کشند، که حتی ممکن است از آن مطالب بر ضد شخصیت پیامبر ﷺ استفاده کنند، آنوقت می بینی که فوری روحانیون شیعی می گویند: ای آقا، مگر هر چه در کتب ما ثبت شده صحیح است!!؟

۱- کتب اربعه شیعه: کافی، من لایحضره الفقیه، استبصار و تهذیب که مثلاً در الأصول من الکافی ج ۱ ص ۲۳۷ حدیثی می باشد مبنی بر اینکه الاغی بنام عفیر که از نسل الاغ کشتی حضرت نوح بوده با پیامبر ﷺ به گفتگو پرداخته و گفته: پدر و مادرم فدایت شود و ...، پس آیا این حدیث کلینی قابل قبول است!!؟

۲- اگر اینطور باشد شما علم الرجال، علم درایه، تاریخ و عقل را کنار بگذارید و تنها هر حدیثی که در کتب اهل سنت به نفع شماست قبول کنید و هر حدیثی به ضرر شماست قبول نکنید!!

پس ما نمی دانیم چرا وقتی نوبت به مجادله خود ایشان با اهل سنت می رسد دائماً از کتب ایشان مطالب می آورند؟!، جوابی که شیعیان به غربیان می دهند اهل سنت نیز می توانند به خود شیعیان بدهند.

تازه شیعیان فقط احادیثی را که به نفع خودشان است قبول می کنند، مثلاً اگر در فلان کتاب از اهل سنت مطلبی به ضرر عقاید شیعه باشد به طور حتم شیعیان قبول نمی کنند، ولی چنانچه بر ضد حضرت ابوبکر رضی الله عنه یا حضرت عمر رضی الله عنه حدیثی باشد با جان و دل آن را می پذیرند.

احادیث کتب شیعه

مورد بعدی پیرامون کتب حدیث خود شیعیان است، و ما می پرسیم: آیا در کتب شیعه هیچ مطلبی بر ضرر شیعه نیست؟ به طور حتم هیچ ابلهی چنین سخنی را نمی گوید، اگر کسی مثلاً احادیث بحارالانوار را بررسی کند، متوجه احادیث وحشتناکی خواهد شد (و ممکن است دو عدد شاخ در آورد) و یا حتی در کتب اصلی شیعه نیز مطالبی می باشد، مثل کتاب من لایحضره الفقیه نوشته شیخ صدوق که در روایت محمد بن سنان از حذیفه بن منصور از امام ابو عبدالله صادق (ع) آمده که گفت: ماه رمضان ۳۰ روز است، و هیچگاه کمتر از آن نمی شود! یا حتی در کتب خود مطالبی مبنی بر تحریف قرآن دارند که همه می دانند اعتقاد به چنین امری کفر است، مثل کتاب اصول کافی که از علی بن حکم از هشام بن سالم از امام ابو عبدالله صادق (ع) روایت کرده که گفت: قرآنی که جبرئیل برای محمد صلی الله علیه و آله

آورد هفده هزار آیه بود!^۱ یا در کتب تاریخی شیعه مثل تاریخ یعقوبی که در آن ازدواج ام کلثوم دختر فاطمه زهرا با حضرت عمر نوشته شده (این ازدواج در کافی، بحارالانوار و تهذیب الاحکام شیخ طوسی نیز آمده) که این ازدواج زیاد مورد خوشایند روحانیون شیعه نیست، و علت آن نیز روشن است. و یا مسئله ساختن قبور که در احادیث زیادی در کتب خود شیعه از این عمل نهی شده است (و آیا شیعه روی قبور را نمی سازد یا برعکس این احادیث عمل می کند؟) یا مسئله خواندن نمازها در پنج وقت و به طور جداگانه، که بیش از یکصد حدیث در کتب شیعه پیرامون این مسئله هست. پس در کتب شیعه نیز مطلب بر ضد شیعه موجود است، و به هر دلیلی که علمای شیعه بخواهند آنها را رد کنند علمای اهل سنت نیز همان دلیل را می آورند، مثلاً اگر بگوئید این احادیث ما جزء احادیث ضعیف هستند، اهل سنت نیز خواهند گفت: احادیث مورد نظر شما ضعیف هستند.

بی طرفی اهل سنت

مطلب مهم دیگر این است که وجود احادیثی در کتب اهل سنت که بیانگر صفات خوب حضرت علی علیه السلام می باشند، نمی تواند مرتب مورد استناد شیعیان قرار بگیرد، چونکه اهل سنت با حضرت علی دشمنی ندارند و بر عکس او را دوست دارند و وجود چنین احادیثی در کتب اهل سنت امری عادی است، ولی چنانچه حدیثی به نفع حضرت عمر رضی الله عنه در کتب شیعه باشد بسیار تعجب آور است، چونکه شیعیان کینه حضرت عمر را در دل دارند و او را غاصب خلافت الهی می دانند!! و

۱- الأصول من الکافی ج ۲ ص ۶۳۴ کتاب فضل القرآن.

معتقدند که حضرت فاطمه را مضروب کرده و باعث سقط جنین او شده است!! پس با وجود چنین افکاری که در ذهن شیعیان بوده است، وجود چنین احادیثی که به نفع حضرت عمر یا حضرت ابوبکر باشد بسیار عجیب است. احادیثی که مثلاً حضرت علی یا امامان دیگر، فرزند با نام ابوبکر، عمر، عثمان و عایشه داشته اند و یا تعریف و تمجیدهای ائمه از خلفا (که البته تمامی این احادیث توسط تشیع صفوی حمل بر تقیه می شود) یا روایات مربوط به ازدواج ام کلثوم دختر علی با عمر رضی الله عنه و غیره ... و چنانچه کسی بگوید: در کتب اصلی اهل سنت مطالبی هست و مجتهدین آنها تمامی احادیث آنها را قبول دارند. در جواب می گوئیم: شما هم دو راه بیشتر ندارید یا اینکه مثل مجتهدین آنها تمامی احادیث دیگر این کتب را نیز بپذیرید، احادیثی که در مدح ابوبکر، عمر و صحابه هستند یا اینکه تمامی آنها را اشتباه بدانید و شما نمی توانید فقط قسمتی را به نفع خود گزینش کنید، چون یا اجتهاد علمای اهل سنت را قبول دارید یا ندارید و راه سومی نیست. تازه در کتب اصلی اهل سنت نیز مطلبی راجع به خلافت بلافصل از جانب خداوند در غدیر خم نیست، بلکه تنها می توان احادیث ایشان را به دو دسته تقسیم کرد: ۱- احادیثی که در مورد مدح علی و اهل بیت هستند که این احادیث نیز به عقاید شما ربطی ندارد، عقایدی چون خلافت بلافصل^۱ و ... ۲- احادیثی که مثلاً لغزشی را از یکی

۱- بسیاری از احادیث ثبت شده در مدح علی هستند و بیانگر صفات خوب او و ربطی به خلافت کردن از جانب خداوند و جانشینی ندارند و در مورد دیگر صحابه نیز چنین احادیثی می باشد، مثل دادن پرچم در جنگ به علی یا من شهر علم هستم و علی باب آن و غیره ... که

از صحابه یا خلفا نقل کرده^۱ که آنها نیز ربطی به مسائل مطرح شده شما ندارد و اهل سنت نیز خلفا و صحابه را معصوم نمی‌دانند و برای همین لغزشهای ایشان را ثبت کرده اند و مطرح نمودن این خطاها بی‌معناست.

ما می‌گوئیم: برای قضاوت بین شیعه و سنی، شخصی غربی و بی طرف را بیاورید، خواننده گرامی بداند اکثر محققین غربی در مورد مسئله جانشینی پیامبر اسلام بیشتر با اهل سنت موافق هستند و اگر شیعه بگوید که غربیان به کتب شیعه دسترسی ندارند و یا به آنها اعتنایی نمی‌کنند و بیشتر کتب اهل سنت را می‌خوانند، می‌گوئیم: شما که دائم از میان کتب اهل سنت دلایل خود را مطرح می‌کنید و می‌خواهید که از این طریق ادعاهای خود را به اثبات برسانید، خوب هم اکنون نیز غربیان همان کتب اهل سنت را می‌خوانند، پس شما نباید معترض شوید.

در ضمن باید از خودتان سوال کنید که چرا فلان عالم اهل سنت با وجود این احادیث در کتب خویش، باز سنی مانده و چرا شیعه نشده است؟ آیا تمامی آنها متعصب بوده اند؟! دلیل این است که آن عالمان احادیث دیگری نیز دارند، و همینطور مطالبی بر ضد این احادیث شما. و بنابراین، به طور کلی و جامع و از روی تمامی احادیث متوجه شده اند که مذهب شیعه قابل قبول نیست، ولی شیعه

به فرض صحیح بودن این احادیث باز هم نمی‌توان از آنها معنای خلافت بلافصل از جانب خدا را بیرون کشید .

۱- شیعه دائماً این احادیث را بیرون می‌کشد و می‌خواهد بگوید که مثلاً در فلان مکان ابوبکر یا عمر اشتباه کرده اند، باید به اینها بگوئیم: اشتباه کردن دیگران چه ربطی به خلافت بلافصل علی دارد و تازه ما آنها را معصوم نمی‌دانیم و این شما هستید که امامان خود را بدون هیچ لغزش، سهو و خطایی می‌دانید.

می‌آید و تنها یک حدیث از این علما را به نفع خود بیرون می‌کشد، در صورتیکه باید کل آن کتاب را و احادیث دیگر و نظرات علما را بررسی کند، نه اینکه گزینشی عمل کند^۱، و تنها خبرهای واحد را بیرون بکشد، بلکه باید قرینه‌های یک خبر و روایت و متن آن و سایر موارد را نیز بررسی کرد.

۱- اگر شخصی بگوید اهل سنت نیز همین کار را در مورد شیعیان می‌کنند، می‌گوئیم: بسیاری از مطالب مربوط به اصول و عقاید خرافی و اشتباه که در شیعه هست با قرآن قابل اثبات است (مثل خواندن غیرخدا یا خلافت و امامت که شیعه از اصول دین می‌داند و در قرآن نیست) ولی دلایل شیعه بر ضد اهل سنت پایه و اساسی در قرآن ندارد، و بیشتر متکی به احادیث هستند (مثل خلافت بلافصل علی یا وجود امام زمان یا ساختن قبور ائمه یا گریه و زاری برای حسین و...) و البته احادیثی نیز که مورد پسند شیعه است نه احادیث مخالف با عقایدشان، بنابراین اهل سنت مجبور می‌شود توسط احادیث با ایشان مناظره کند چونکه عقاید اینها در قرآن نیست، و اگر هم بخواهد از کتب خود اهل سنت دلیل آورد بطور حتم دلایل بیشماری ارائه می‌دهد ولی شیعیان آنها را قبول نمی‌کنند، در ضمن خیلی از منابع اولیه اخذ حدیث در شیعه نیز از اهل سنت است. متن احادیث مهمتر از سند آنهاست، و چنانچه متن آنها موافق با قرآن بود، می‌توان پذیرفت، ولی به پیامبر یا امام نمی‌توان نسبت داد، بنابراین احادیث موافق با قرآن که در تشیع است مورد استناد اهل سنت قرار می‌گیرند ولی بالعکس شیعیان چنانچه بخواهند احادیث خود را با متن قرآن مطابقت دهند دچار مشکل می‌شوند چونکه برای عقاید خود متنی در قرآن ندارند، مثلاً برای خلافت بلافصل علی یا برای تولد و وجود امام زمان یا نص برای فرقه اثنی عشریه، و اگر هم بخواهند با معجزات و آیات قرآنی قیاس کنند که امری اشتباه است، و می‌بینیم که بیشتر علمای شیعه احادیث خود را بر آیات قرآن تحمیل می‌کنند. در انتها نیز متذکر می‌شویم که همان احادیث مورد استناد اهل سنت که در کتب شیعه هستند

حقه‌بازی در تشیع

مورد مهم دیگر این است که علمای شیعه وقتی می‌خواهند به کتب اهل سنت اشاره کنند، می‌آیند و مطالبی را به صورت گزینشی انتخاب می‌کنند و جملات قبل و بعد از آن مطلب را نمی‌آورند و سپس آن سخن را به فلان عالم از اهل سنت نسبت می‌دهند، در صورتیکه آن عالم در صفحه بعدی کتابش (یا در جمله بعدی)، نظر و اعتقاد خود را بیان داشته است، و یا حتی آن جمله مورد نظر را از شخصی دیگر بصورت نقل قول آورده است، و نظر خودش نبوده است.

اشخاص بی‌طرف

شما این دلیل خود را مبنی بر وجود احادیث در کتب اهل سنت فقط و تنها می‌توانید در مقابل خود اهل سنت بیان کنید (تازه آن هم طبق مطالبی که بیان شد اشتباه است) و چنانچه شخصی مسیحی یا بی‌طرف در مقابل شما باشد نمی‌توانید چنین دلایلی را بیان کنید، چون آن مسیحی خواهد گفت که من نه کتب شیعه را قبول دارم و نه کتب اهل سنت را، در ضمن ممکن است فرقه‌ای دیگر چون بهائیت بیایند و از کتب شیعه مطالبی را برای صحت عقاید خود بیرون بکشند (مثل ظهور منجی)، پس آیا شما بهائیت یا فرقه‌های دیگر را قبول می‌کنید؟

نیز باید بررسی شوند و چنانچه صحیح بودند قابل قبول است و گرنه نمی‌توان پذیرفت و این مسئله میان هر دو طرف شیعه و سنی مشترک است.

مسئله آخرت و پیشگاه عدل الهی

مسئله بسیار مهم دیگر این است که در جهان آخرت از شما نمی‌پرسند که در کتب اهل سنت چه چیزی نوشته شده بود؟! یا حتی در کتب خود شیعه، بلکه در آن جهان اول از همه در مورد قرآن و عمل نمودن به آن از شما سوال می‌شود، و احادیث نیز چنانچه با قرآن، سنت متواتر و عقل صریح (و دیگر موارد صحیح بودن حدیث) مخالفت نداشته باشند مورد پرسش یا قبول قرار می‌گیرند و صرف اینکه حدیثی در فلان کتاب از فلان عالم ثبت شده دلیل بر درست بودنش نیست، چونکه به طور حتم آن علما معصوم و مجهز به وحی الهی نبوده‌اند و حتماً دارای خطاهایی بوده‌اند و نمی‌توان تمامی احادیث ثبت شده توسط ایشان را قبول کرد و می‌بایست آن احادیث را بررسی نمود و مهمترین راه بررسی، تطبیق دادن متن احادیث با قرآن است، و سپس سنت متواتر پیامبر ﷺ و همچنین عقل و مراحل دیگری چون بررسی سند حدیث و قرینه‌های ثبت شده آن و تاریخ.

در ضمن لازم به تذکر است که علمایی بدون داشتن تعصب، احادیث گوناگون را بررسی کرده‌اند، مثل علامه برقی و علامه آلبانی، امیدواریم بقیه علما نیز همین روش را انتخاب کنند، ان شاءالله.

پایان

پاییز ۱۳۸۶ هجری شمسی